

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 388

Date of filing 9 Feb 1983

 AWARD. Date of Award

 pages in English. pages in Farsi.

 DECISION. Date of Decision

 pages in English. pages in Farsi.

 ORDER. Date of Order

 pages in English. pages in Farsi.

 ✓ CONCURRING OPINION of Judges Holtzmann + Meade

Date 9 Feb 1983 16 pages in English. pages in Farsi.

(Re: Interim Award ITR 13-388-FT)

 DISSENTING OPINION of

Date pages in English. pages in Farsi.

 OTHER; Nature of document:

Date pages in English. pages in Farsi.

388-60
111-4.

088-05
۲۸۸-۹۰

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. _____

Date of filing _____

AWARD. Date of Award _____

_____ pages in English. _____ pages in Farsi.

DECISION. Date of Decision _____

_____ pages in English. _____ pages in Farsi.

ORDER. Date of Order _____

_____ pages in English. _____ pages in Farsi.

CONCURRING OPINION of MR MOSK & MR HOLTSMAN

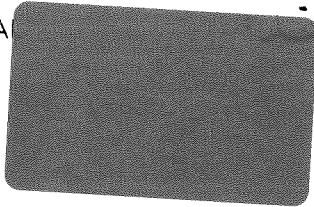
Date 16-Feb 83 _____ pages in English. 14 pages in Farsi.

DISSENTING OPINION of _____

Date _____ pages in English. _____ pages in Farsi.

OTHER; Nature of document: _____

Date _____ pages in English. _____ pages in Farsi.



DUPLICATE
ORIGINAL
«نسخه برابر اصل»

پرونده شماره ۳۸۸

ديوان عمومي

حکم شماره آى.تى.ام. ۳۸۸ - ۱۳ اف.تى.

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داورى دعاوى ايران - ايالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	تاريخ ۱۳۶۱ / ۱۱ / ۲۷ 16 FEB. 1983
No.	شماره 388

ای سیستمز، اینکورپوریتد،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران و

بانک ملی ایران،

خوانندگان.

نظر موافق هوارد ام. هولتزمان و ریچارد ام. ماسک

در باره قرار توقیف جریان رسیدگی در دادگاه ایران

پرونده حاضرین مسأله مهم را پیش کشیده است که آیا دیوان داورى، برای حفظ صلاحیت خویش و حرمت احکام خود، می تواند در رابطه با دعوی مطروح در دادگاه های داخلی راجع به موضوعاتی که در دیوان داورى در جریان رسیدگی است، اقدامی به عمل آورده یا خیر؟ علت مطرح شدن سوال مزبور، این است که متعاقب ثبت دادخواست توسط خواهان، ای سیستمز اینکورپوریتد ("ای - سیستمز") در این دیوان دایر برای اینکه خواننده، دولت ایران قراردادش را با خواهان نقض کرده است، وزارت دفاع ایران دعوائی را در دادسرای تهران اقامه نمود مبنی بر اینکه ای - سیستمز همان قرارداد را نقض نموده است. هم ادعای مطروحه در این دیوان و هم دعوی اقامه شده در دادگاه ایران هر دو، مربوط به این موضوع اساسی است که آیا قرارداد نقض شده

است بیاخیر، و اگر نقض شده است، توسط چه کسی؟ (۱)

بلافاصله پس از اطلاع یافتن از جریان دعوی مطروحه در ایران و برگزاری قریب الوقوع جلسه استماع آن، ای - سیستمز درخواستی جهت صدور قرار موقت توسط دیوان مبنی بر درخواست از دولت ایران به متوقف ساختن جریان رسیدگی در دادگاه ایران، به ثبت رساند. (۲) با توجه به طبیعت مسأله، شعبه یک که پرونده بدان ارجاع شده بود

(۱) خوانندگان چندبار درخواست تمدید مهلت پاسخگوئی به ادعا را نموده و با این درخواستها نیز موافقت شده است به طوری که تا کنون لایحه دفاعیه یا ادعای متقابل را ثبت نکرده و تا تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۸۳ (۶ اسفندماه ۱۳۶۱) نیز الزامی به ثبت آن ندارند. جنبه های دیگر همین دعوی نیز ضمن ادعاهائی که توسط طرف دولتی ایرانی به ثبت رسیده در دیوان مطرح است، در ۱۸ ژانویه ۱۹۸۲ (۲۷ دیمماه ۱۳۶۱) بانک ملی دوا دعای علیه بانک آو آمریکا و دولت ایالات متحده نزد دیوان به ثبت رساند که ضمن آن به موجب دو ضمانت نامه صادره توسط ای - سیستمز که موضوع ادعای ای - سیستمز است درخواست جبران خسارت نموده است. ضمانت نامه ها موید تضمین های صادره برای ایران توسط بانک ملی است. بانک ملی از بانک آو آمریکا درخواست پرداخت وجه ضمانت نامه ها را نموده بود. ای - سیستمز با استناد به یکی از مقررات قانونی ایالات متحده ۳۱/ سی . اف . آر . ۵۶۸ - ۵۳۵ (ب) / از وزارت خزانه داری تقاضای صدور جوازی جهت افتتاح یک حساب مخصوص در دفاتر خود به نام بانک ملی نموده و این جواز را نیز تحصیل کرد و بدین ترتیب بانک آو آمریکا هیچ پرداختی به بانک ملی انجام نداد.

(۲) دیوان داوری از دولت ایران درخواست ارائه اطلاعاتی در باره وضعیت کنونی دعوی مطروحه در دادگاه ایرانی نموده، لیکن هنوز چنین اطلاعاتی را دریافت نکرده است. قرار موقت صادره بر این فرض استوار است که چنانچه متعاقب ابلاغ احضاریه ها و عرض حال رسیدگی های دیگری در دعوا صورت گرفته دیوان قاعدتا " میبایستی از آن اطلاع یافته باشد، و همینطور مبتنی بر این فرض است که در صورت وقوع هرگونه رسیدگی تازه، دولت ایران هر اقدام لازمی را جهت تبعیت از قرار موقت و هدف و مقصود آن، به عمل خواهد آورد.

صلاحیت رسیدگی به پرونده‌ها را، منحصرأ از نظر تصمیم گیری راجع به درخواست ای - سیستمز، به دیوان عمومی واگذار کرد.

مسأله مطروحه، نه تنها در این پرونده، بلکه در سایر پرونده‌های مطروح در دیوان نیز، حائز اهمیت است. (۳)

ما با تصمیم دیوان دآوری که ضمن آن صلاحیت خود را از خطر تهدید مصون داشته و نظریه را ابراز نموده است موافقیم:

دیوان این اختیار و اقتدار ذاتی را دارد که دستوراتی را بنا به اقتضاء، جهت حفظ حقوق مربوطه طرفین و اعتبار رونفا صلاحیت و اختیارات دیوان به طور کامل، صادر نماید. نه تنها باید گفته شود که حکمی که قرار است در مورد این پرونده توسط دیوان دآوری - که به موجب توافق دولتین تا سیس یافته - صادر شود نسبت به هر تصمیم یا رای مغایر با آن، که از جانب دادگاه‌های ایران یا ایالات متحده صادر شده باشد، ارجحیت خواهد داشت، بلکه به لحاظ اطمینان از اعتبار رونفا ذ تصمیمات و آراء دیوان، دولت ایران باید درخواست نماید که دعوی اقامه شده در دادگاه‌های ایرانی تا خاتمه رسیدگی در این دیوان متوقف گردد.

بنابراین، با اتخاذ این موضع که حکم صادره توسط این دیوان "نسبت به هر تصمیم یا رای مغایر با آن" که از جانب یک دادگاه ایرانی صادر شده باشد، رجحان خواهد داشت، دیوان اختیار اعطائی به وی توسط دولت جهت تعبیر و تفسیر بیانیه‌های الجزایر را، اعمال نموده است. (۴) این تفسیر "میتواند توسط طرف موفق در دادگاه هر کشوری به مورد اجرا گزارده شود..." بند ۱۷، بیانیه عمومی. رجوع شود، همچنین به بیانیه

(۳) تعداد دیگری دعوی توسط ایران در دادگاه‌های خودش اقامه شده که ظاهراً "مربوط به همان موضوعات مطروحه توسط همان طرفین در ادعاهائی است که قبلاً" در دیوان دآوری به ثبت رسیده است. رجوع شود، فی المثل به: پرونده‌های شماره ۵۹، ۹۳، ۱۵۹، ۳۷۰، ۴۳۰، ۱۰۸۵۳، ۱۰۸۵۴، ۱۰۸۵۵، ۱۰۸۵۶ و در بعضی از این پرونده‌ها، برخلاف پرونده حاضر، ادعاهای متقابلی در دیوان به ثبت رسیده است.

(۴) بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر ("بیانیه عمومی") و بیانیه دولت

حل و فصل دعاوی ، بند ۴ ماده شش (۵) . بعلاوه اصول حقوق بین الملل موبداین موضع دیوان است که حکم دیوان برهررای صادره توسط یک دادگاه ایرانی که مغایر با چنین حکمی باشد ، ارجحیت دارد ، دعوی سلوین (انگلستان علیه ونزوئلا)
(G . B . V . Ven.) , 9R. Int'l. Arb. Awards 381 (1907)

همچنین رجوع شود به سی . ایگلتون مسئولیت دولتها در حقوق بین الملل
C.Eagleton The Responsibility of States in International law 69 (1928) .

فی الواقع ، چنانچه رائی توسط دادگاه ایرانی صادر شود که مغایر با تصمیم یا حکم دیوان باشد ، طبق حقوق بین الملل در حکم نقض تعهدات ایران است . رجوع شود به گزارش کمیسیون حقوق بین الملل درباره مقررات شکلی داوری .

International Law Commission Report on Arbitral procedure (Scelle, rapporteur) UN Doc. A/CN.4/18 (1950) at 76, reprinted in(1950)
2 Y.B. Int'l. L. Comm'n 76, 143

دعوی مارتینی (ایتالیا علیه ونزوئلا)

Martini Case (Italy V. Ven.) , 2 R. Int'l. Arb. Awards 975, 995 - 96
(1930); J.L. Simpson and H. Fox, International Arbitration (1959);
Eagleton, supra at 71 .

دیوان با پیروی از اصول متداول حقوق بین الملل ، تشخیص داده است که " این اختیار و اقتدار ذاتی را دارد که دستوراتی را بنا به اقتضاء جهت حفظ حقوق مربوطه طرفین و اعتبار و نفاذ صلاحیت و اختیارات (دیوان) به طور کامل " ، صادر نماید و ضمن اتخاذ این نظر که ایران ملزم به انجام اقداماتی جهت متوقف ساختن دعوی مطروحه در تهران است این اختیارات را اعمال کرده است . (. . . دولت ایران باید درخواست نماید که دعوی اقامه

جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر درباره حل و فصل دعاوی توسط دولت ایالات متحده و دولت جمهوری اسلامی ایران (بنایه حل و فصل دعاوی) .

(۵) ای - سیستمز ، دولت ایران و دولت ایالات متحده ، همگی درباره مسایل مربوط به تفسیر بنیادهای الجزایر و سایر موضوعات این پرونده در طی استماع شفاهی ، لوائح کتبی تسلیم و ادله شفاهی خود را ابراز داشته اند . شرکت دولت ایالات متحده (در ایمن استماع) پیرو دعوت دیوان به موجب تبصره ۵ ، ماده ۱۵ مقررات موقتی دیوان داوری صورت گرفته که چنین امری را از نظر کمک به دیوان در اجرای وظایف خود تجویز نموده است .

شده در دادگاه‌های ایرانی تا خاتمه رسیدگی در این دیوان متوقف گردد." (تاکید از نویسنده) به عنوان مثال، کمیسیون داوری درباره اموال، حقوق و منافع، که به موجب کنوانسیونهای ۱۹۵۵ بن تاسیس یافته تاکید نمود که هر دیوان (داوری) این اختیار ذاتی را دارد که، بنا به اقتضاء، جهت حفظ حقوق مربوطه طرفین دستوراتی صادر نماید. ویرمان علیه جمهوری فدرال آلمان، آراء کمیسیون داوری.

Veerman V. Fed. Rep. of Germany, Decisions of the Arbitral

Commissoin, I, No.1 119, 120 (Lagergren, Arndt, Edelman)

(1958).

کمیسیون آشتی فرانسه - ایتالیا، با صدور رای زیر و بدنبال آنچه که کمیسیون مزبور از آن به عنوان یکی از اصول حقوق بین المللی یاد می کند، صراحتاً " قدرت و اختیار هر دیوان بین المللی را در الزام هر طرف به توقیف جریان رسیدگی در دادگاه‌های داخلی، نظیر مورد ابرار در پرونده حاضر، پذیرفته است:

Si une juridiction de droit interne a été
saisie, il est nécessaire, pour que la
juridiction international puisse décider,
que le requérant ou la personne dans l'inté-
rêt de qui la requête a été présentée renonce
à poursuivre la procédure devant la juridic-
tion de droit interne.

(چنانچه در یک دادگاه داخلی دعوائی طرح شده باشد، از نظر اینک که یک دیوان بین المللی بتواند درباره همان دعوات تصمیم گیری نماید، خواهان یا شخصی که دعوی به نفع او اقامه شده، باید جریان دعوی خود را در دادگاه داخلی متوقف سازد).

Différend S.A.I.M.I., 13 R. Int'l Arb. Awards 43, 45 (1948)

(ترجمه از متن فرانسه به انگلیسی توسط نویسندگان) (تاکید از نویسندگان است) همچنین یکی از اصول پذیرفته شده حقوق بین الملل اینست که، در صورتی که بر سر داوری توافق شده باشد، طرفین باید به داوری رجوع کنند. رجوع شود به فی المثل، بند ۳ ماده دو، کنوانسیون پذیرش و اجرای احکام داوری خارجی، نیویورک.

Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards, New York, 10 June 1958, 330 U.N.T.S. 38; see also Sumitomo Corp. v. Parakopi Compania Maritima, 477 F. Supp. 737 (S.D.N.Y.1979), aff'd, 620 F.2d 286 (2d Cir. 1980).

نیتوان به طرف داوری در یک مرجع صلاحیت دار دستور داد که از تعقیب دعوی در دادگاه داخلی یک مرجع صالح دیگر در مورد موضوعات مشابه یا راجع به موضوعاتی که در داوری مطرح است، خودداری نماید. رجوع شود به فی المثل :

Russell, Arbitration 297 (20th ed. 1982); M. Mustill and S. Boyd, Commercial Arbitration 410 (1982); Necchi Sewing Machine Sales Corp. v. Carl, 260 F. Supp. 665 (S. D . N . Y . 1966).

در همین رابطه، یکی از مفسرین اظهار نظر کرده است :

از اصول اساسی داوری و بویژه داوری در تجارت بین المللی اینست که داوور تمامی پرونده را مورد رسیدگی قرار دهد و دادگاه داخلی در اختیارات وی از نظر تصمیم گیری دخالتی نکند... این اصل نباید مخدوش گردد، همواره باید اختیارات انحصاری داوری بین المللی در اختیار تصمیم داریان دعوا بر تمامی مدعی علیه که بر سر راه جریان داوری موانعی می تراشد، مقدم شمرده شود.

به نظر ما این اقدام دیوان نه تنها با استناد به "قدرت و اختیار ذاتی" که نقطه اتکای آنست صورت گرفته ، بلکه بند ۱ ماده ۲۶ مقررات موقت دیوان داوری نیز ، که اختیار صدور قرار تامین موقت را به وی تفویض نموده این اقدام را مجاز میدارد. بند مزبور مقرر میدارد:

به درخواست هریک از طرفین ، دیوان داوری در مورد موضوع اختلاف هرگونه تدابیری را که لازم می داند ، از جمله اقدامات لازم جهت حفاظت کالاهای موضوع اختلاف ، نظیر دستور سپردن آنها نزد شخصی ثالث یا فروش کالاهای فاسدشدنی ، اتخاذ نماید .

این بند مشابه ماده ۲۶ مقررات داوری انسیترال است . پروفیسور پیترسا ندرز اظهار نظر کرده است که موارد اشاره شده در این ماده از مقررات انسیترال به مسایلی نظیر حفاظت کالاها "صرفاً" من باب مثال" است و اینکه "میتوان موارد بسیاری را ذکر کرد که انجام تدابیر موقت را اقتضاء نماید". ساندرز ، اظهار نظر درباره مقررات دیوان انسیترال

Sanders, Commentary on UNCITRAL Arbitration Rules, II Yearbook

Commercial Arbitration 161, 196 (1977).

بر همین اساس ، مقررات موقت دیوان داوری موارد ضرورت صدور قرار تامین موقت را ، محدود نمی سازد .

هدف از تامین موقت اینست که "حقوق مربوطه طرفین مادامیکه مسأله در دیوان تحت رسیدگی" است ، حفظ شود . دعوی نفت ایران - انگلیس (انگلستان علیه ایران) ،

Anglo- Iranian Oil Company Case (U.K.V.Iran), 1951 I.C.J. 89 (Interim

Protection Order of 5 July) at 93; Oellers - Frahm, Interim Measures

of Protection, 1 Encyclopedia of Public International Law 69 (1971).

برای جلوگیری از "هراقدامی که بتواند اجرای رایی را که دیوان قصد صدور دارد بیهوده
مخاطره اندازد"، میتوان اقدام به صدور قرار موقت کرد. رجوع شود به بالا.

Simpson and Fox, supra at 162.

هما‌نطور که یکی از مفسرین اظهار نظر کرده است :

وضع موجود Status quo طرفین باید در طول جریان رسیدگی
حفظ شود. دعوی باید تا صدور تصمیم نهائی، در برابر هر مخاطره احتمالی
حفاظت گردد مبادا که تصمیم بلااثر یا غیر قابل اعمال باشد. و به خاطر همه این
مسائل، و "جهت دفع صدمات جبران ناپذیر ناشی از مداخلات (در دعوی) لازم است
دیوان دست به اقدام فوری زند."

Mani, International Adjudication 281 (1980) (Citation Omitted)

(نقل قول حذف شده است).

در این رابطه است که دیوان دایمی دادگستری بین المللی اختیارات قانونی خود
را دایر بر صدور قرار موقت جهت اجرای آنچه که وی یک "اصل پذیرفته شده جهانی دیوانهای
بین المللی" خوانده است اعمال نموده است. این اصل حاکی است که "طرفین دعوی
باید از هراقدامی که اجرای رایی را که قرار است صادر شود بیهوده مخاطره اندازد،
خودداری ورزیده، و به طور کلی، از اقدام به هرگونه عملی که منجر به تشدید یابیه
در ازاکشیدن دعوی گردد، احتراز نمایند". شرکت برق صوفیه و بلغارستان

Electricity Company of Sofia and Bulgaria, 1939 P.C.I.J., series

A/B, No. 79, at 199;

همچنین رجوع شود به :

Dumbauld, Relief Pendente Lite in the Permanent Court of International
Justice, 39 Am.J. Int'l. Law 391, 399 - 400 (1945).

اعمال بند ۱ ماده ۲۶ مقررات موقت دیوان داوری نه تنها برای حمایت از صلاحیت دیوان و صحت گذاردن بر احکام آن ، بلکه برای جلوگیری از ورود خسارت غیر قابل جبران به خواهان نیز مناسب است . بدون صدور حکم از طرف دیوان داوری ، خواهان در ایران با اقدامات حقوقی متعدد و احتمالا " احکام غیابی بسیاری علیه خود مواجه خواهد بود . حتی اگر اینگونه احکام غیابی بموجب حقوق بین الملل بی اعتبار باشد ، معذک صرف وجود چنین احکامی پیامدهای ناگواری برای خواهان خواهد داشت ، با اینکه ما با نتیجه گیری مذکور در قرار موقت موافقیم ، اما ترجیحا " ، تصمیم صادره را بر دلایل دیگری که از تحلیل بیانیه های الجزایر حاصل میشود و تا حدودی نیز با دلایل مندرج در قرار موقت متفاوت است ، استوار میساختیم .

اول - دولتین در جمله اول پاراگراف (ب) اصول کلی بیانیه عمومی

مقرر می دارند ؛

قصدهر دو طرف ... اینست که کلید دعای بین هر دو دولت و اتباع

دولت دیگر را لغو ، و موجبات حل و فصل و ابطال کلید این دعاوی

را از طریق یک داوری لازم الاجرا فراهم آورند . (تاکید از نویسنده

است) .

این جمله مهم توافق دو دولت را تصریح می کند که اختلافات مربوط به موضوع کلید دعاوی مجاز ، خواه به صورت ادعا و خواه به صورت ادعای متقابل مطرح شده باشد ، از طریق یک دیوان داوری بین المللی ، و نه با اقدامات حقوقی در دادگاههای داخلی ، باید حل گردد . البته لفظ " دعاوی " شامل ادعاهای متقابل نیز می باشد زیرا تعریف ادعای متقابل " ادعای معارض "

Webster's Third New International Dictionary 519 (1976) .

و " ادعائی است که توسط خواننده ارائه می شود "

Black's Law Dictionary 315 (5th ed. 1979) .

این صرفا " نوعی ادعا محسوب می شود . بعلاوه ، لفظ " اقدام حقوقی " فی نفسه شامل دعاوی متقابل نیز می شود .

مقارن امضای بیانیه‌های الجزیره چند فقره دعوی مدنی توسط اتباع آمریکادر دادگاههای ایالات متحده علیه ایران اقامه شده بود. در تائید توافق دودولت در استفاده از داوری بجای مراجعه به دادگاه، پاراگراف (ب) اصول کلی حاوی جمله دومی^(۶) است که مشخصاً "پایان دادن به کلیه اقدامات حقوقی مربوط به دعوی علیه ایران را در دادگاههای ایالات متحده مقرر می دارد.

جمله اول، یا به تنهایی و یا با عطف به بیانیه حل و فصل دعاوی، می توانست برای پایان دادن به اقدامات حقوقی در دادگاههای ایالات متحده کافی باشد.

معدک، به علت توجه زیادی که به اقدامات حقوقی در ایالات متحده معطوف شده بود، جمله دومی افزوده شده تا اشاره مشروحی به اینگونه مراعات داشته باشد. هیچگونه اقدام حقوقی مشابهی در ایران طرح نشده بود، و از این روست، که در پاراگراف (ب) به اقدامات حقوقی در دادگاههای ایران اشاره ای نشده است. منع اقدامات حقوقی در دادگاههای ایران در جمله اول پاراگراف (ب) تصریح گردیده و گنجانیدن جمله دوم، که به علت اوضاع و احوال خاصی که در آن موقع در ایالات متحده حکمفرما بود صورت گرفته، بهیچوجه از صراحت جمله اول پاراگراف (ب) نمی گاهد. فی الواقع، نمی توان چنین فرض کرد که دودولت قصد متناقضی داشتند بیدین قرار که در مورد قطع اقدامات حقوقی یا منع طرح دعوا در مرجع انتخابی خواهان در ایالات متحده یا مرجعی که خواهان بدان دسترسی داشته توافق نمایند و در عین حال امکان تکرار اقدامات حقوقی در این دیوان و در دادگاههای ایران را فراهم آورند.

دوم - دولتین در ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی بر تراضی خود در مورد استفاده از داوری بین المللی بجای دادگاههای داخلی به منظور اتخاذ تصمیم درباره ادعاها و ادعاهای متقابل، مجدداً تاکید

(۶) "از طریق ترتیبات مندرج در بیانیه مربوط به حل و فصل ادعاها، ایالات متحده موافقت می نماید که به تمام اقدامات حقوقی در دادگاههای ایالات متحده که متضمن اتباع و موسسات آمریکائی علیه ایران و موسسات دولتی آنست خاتمه داده، کلیه احکام موقت و احکام قضائی صادره را لغو، سایر دعاوی براساس چنین ادعاهائی را ممنوع و موجبات خاتمه دادن به چنین ادعاها را، از طریق داوری لازم الاجرا فراهم نماید."

نموده اند. بند ۱ ماده دوم مقرر می دارد:

بدینوسیله یک دیوان داوری بین المللی (دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده) به منظور اتخاذ تصمیم درباره ادعاهای اتباع ایالات متحده علیه ایران و ادعاهای اتباع ایران علیه ایالات متحده و هرگونه ادعای متقابل ناشی از قرارداد فیما بین ، معامله یا پیش آمدی که مبنای ادعای آن تبعه باشد ، تشکیل می گردد....

در هیچ جای بیانیه های الجزایر قید یا شرطی وجود ندارد که اتخاذ تصمیم درباره ادعاهائی که می توانند طبق موازین در دیوان داوری طرح شوند را ، در دادگاههای داخلی مجاز شمارد . در حقیقت ، دیوان داوری دقیقاً " برای این منظور بوجود آمده که درباره چنان مسائلی اتخاذ تصمیم نماید . به نظر ما ، منظور و معنای ساده و متداول جمله فوق الذکر اینست که فقط دیوان داوری صلاحیت تصمیم گیری راجع به موضوعاتی که طبق موازین در آن مطرح گردیده است ، دارد .

سوم - بند ۱ ماده چهارم بیانیه حل و فصل ادعاهای حاوی قید مهمی است حاکی از اینک که " کلیه تصمیمات و احکام دیوان داوری قاطع و لازم الاجرا خواهد بود " . طبق توافق دولتین تصمیمات متخذه و احکام صادره از دیوان است که تعیین کننده سرانجام مسائل است نه رای و تصمیم یک دادگاه داخلی . با توجه به ویژگی " قاطع و لازم الاجرا بودن " احکام دیوان ، تعقیب حقوقی همان مسئله در یک دادگاه داخلی کار بیهوده بوی شمری است .

چهارم - بند ۳ ماده چهارم بیانیه حل و فصل ادعاهای مقرر می دارد:

هر حکمی که دیوان داوری علیه هر یک از دولتین صادر نماید ، علیه آن دولت در دادگاههای هر کشوری طبق قوانین آن کشور قابل اجرا خواهد بود . (تاکید از نویسنده است)

بدین ترتیب دادگاههای ایران موظف به اجرای احکام دیوان داوری هستند .

تصمیم توسط دادگاههای ایران نسبت به موضوع اختلافی که در دیوان در دست رسیدگی است، بکلی با وظیفه دادگاههای مزبور مغایرت دارد. بند ۳ ماده چهارم توافقی را منعکس می کند که به موجب آن دیوان داوری باید در مورد اختلافات تصمیم بگیرد و وظیفه دادگاههای ایران، در صورت لزوم، صرفاً "اجرا کردن تصمیمات و احکام دیوان است".

پنجم - دولتین در ایفاء توافقی خود، و همچنین طی بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل ادعاها مقرر داشتند:

ادعاهائی که به دیوان داوری ارجاع می شود از تاریخ ثبت ادعا در دفتر دیوان، خارج از صلاحیت دادگاههای ایران، یا ایالات متحده، یا هر دادگاه دیگری خواهد بود.

این شرط از آن نظر پیش بینی شده که از توافق رسیدگی به یک مسئله معین که هم در دیوان داوری و هم در دادگاه داخلی قابل طرح است، جلوگیری بعمل آید. توافق جریان رسیدگی پرخرج بوده و خطر رسیدن به نتایج متضاد را به وجود می آورد. دولتین این نکته را تشخیص دادند که تکرار رسیدگیها فوق العاده نامطلوب بوده و بمنظور جلوگیری از آن، بند ۲ ماده هفت را در بیانیه حل و فصل ادعاها گنجانند. بنا بر این، نتیجه این بحث این است که بند مزبور با بده نحوی تفسیر گردد که ادعای اولیه و هرگونه ادعای متقابل را، دربرگیرد. در غیر این صورت، خواننده می تواندست دقیقاً "همان مسائلی را که دفاعیه وی در مقابل یک ادعای مطروحه در دیوان داوری را تشکیل می دهد، به عنوان اساس یک دعوا در دادگاه داخلی مطرح سازد."^(۷)

بعلاوه، بی مناسبت نیست که چند کلمه من باب توضیح در مورد طرز نگارش خاص بخشی از تصمیم دیوان که به شرح زیر می باشد، بیفزائیم:

دیوان داوری از دولت ایران درخواست می نماید که تا تکمیل رسیدگی به این دعوا در دیوان داوری، رسیدگی به آن را در دادگاه عمومی تهران متوقف سازد.

ممکن است ذکر ماهیت الزامی قرار موقت با استفاده از کلمه "دستور می دهد" بجای

(۷) در پرونده حاضر، مسائل تحت اقدام در ایران در دیوان داوری در دست رسیدگی است، لذا، حتی اگر طرح ادعاهای متقابل، به ترتیب مستفاد از حقوق آمریکا "اجباری" نباشد - مسئلهای که ما به بحث آن نمی پردازیم - قرار موقت صادره در دیوان داوری موجه است.

"درخواست می کند" مرجح بوده باشد. بهر حال، باید یادآور شد که این قرار به یکی از دولتهائی که موافقت نامه بین المللی دیوان داوری را بوجود آورده اند، خطاب شده است. باید فرض بر این باشد که دولت مزبور الزام مذکور در قرار موقت، دال بر اینک که "باید" چه اقدامی به عمل آورد را، محترم خواهد شمرد. بنا بر این، ما با نظر کسانی که کلمه "درخواست می کند" را در این مورد کافی میدانند، موافقیم. (۸) تحت این اوضاع و احوال، ما "درخواست" را معادل یا دستور و به همان اندازه موثر، تلقی می کنیم.

با لایحه، در قرار موقت کلمات "اقدام جهت متوقف کردن" بکار رفته است. این کلمات به اندازه کافی عام هستند که هر اقدام خاصی را که باید جهت متوقف کردن جریان رسیدگی در دادگاه ایران به عمل آید، دربرگیرند. معمولاً "نظامهای قضائی تصمیم مربوط به تعقیب یا عدم تعقیب موضوع را به خواهان واگذار می نمایند و دادگاه نمیتواند رسیدگی را متوقف کرده یا به تعویق اندازد. برای مثال رجوع شونده مواد ۱۲۷، ۵۷، ۴۸، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۲۹۸ قانون آئین دادرسی مدنی ایران و نیز رجوع شونده:

Roussel Uclaf V.G.D. Searle & Co. Ltd. (1977) 1 Lloyd's L.R. 225, 230

(دادگاه میتواند "در اعمال صلاحیت ذاتی خود" اقدام درباره پرونده را که با جریان مطورحه در داوری تناقض دارد متوقف سازد). بعلاوه، باید متذکر شد که هر دولتی در قبال

Pious Fund Case (U.S.V.Mex.), Scott's Hague

۸ - رجوع شونده

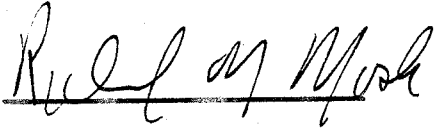
Court Reports 1, 5 (1902)

که در آن دیوان دائمی داوری متذکر گردید:

کلیه قسمتهای یک رای یا حکم مربوط به نکاتی که در جریان حقوقی، مورد بحث بوده روشنتر و متقابلاً "مکمل یکدیگرند، و... به بیان معنی دقیق و محمل Dispositif (قسمت قطعی رای) و تعیین نکاتی که جنبه قضیه محکوم "بها را Res judicata دارد و بعداً "قابل اعتراض نیست، کمک می کند...

(۹) نقض تعهدات بین المللی توسط قوه قضائیه خود مسئول است .

به دلایل فوق ، ما با قرار موقت موافقیم .



ریچارد ام. ماسک



هوارد ام. هولتزمن

لاسه ،

بتاریخ ۹ فوریه ۱۹۸۳ برابر با ۲۰ بهمن ماه ۱۳۶۱

⁹ See International Law Commission Report on Arbitral procedure, supra; Simpson and Fox, supra at 262; Eagleton, supra at 71.